

# توقيع مورخ ۲۷ نوفمبر ۱۹۲۹ خطاب به احبابى الهى برادران و خواهران روحانى در کشور مقدس ايران و...

The Báb

نسخه اصل فارسى



احبابى الهى برادران و خواهران روحانى در کشور مقدس ايران و قفقازيا و ترکستان و اقليم مصر و هندوستان و عراق و ترکیه و برية الشام عليهم آلاف التحية والثناء طراً ملاحظه نمايند  
يا مشاعل الحب والوداد احبتكم من هذه البقعة المرتفعة المنورة البيضاء ناطقاً بذكرکم و ثنائکم مستبشراً ببشارتکم متباهياً بعظيم خدماتکم متمنياً لكل منکم تأييداً متتابعاً من عالم الأنوار.

چندى است که قلم اين مستمند پياد آن حبيبان ارجمند مشغول نگشته و از مجارى امور و حوادث امریه با آن عزيزان گفتگوئى ننموده و از مکنونات قلبیه و عواطف حبیبه و آمال و تمنیات خویش اثرى بر صفحه اوراق نگذاشته ولى يقين مبین بدانيد که احدی از ياد نرفته و جبل محبت و مودت مقطوع و منقص نگشته زيرا مخابرات روحیه متتابع و مستمر است و روابط وديه شديد و متين. لا تمسها متاعب الدهر و لاتزعزعها حوادث الزمان قلب و روان پیوسته از نسيم جانپور بشارت روحانيه که از رياض اعمال مرضيه و خدمات پسندیده آن برگزیدگان حضرت رب البريه در هبوب و مرور است پر وجد و حبور و از ظهور و بروز علامات فرحبخش قيام و استقامت آن مجاهدان و سالکان سبيل رحمن پر اميد و سرور هزار شکر حضرت کبريا را شايسته و سزا که با وجود هطول بلايا و رزايا و ريزش سيل بنیان کن امتحانات لا تعد و لا تحصى ساکنين فلک بها آن فته راسخه ثابتہ مؤمنين در مشرق زمين بعزمی آهنين و بيانى آتشين و مسلک و رفتاری چون نور مبین بهدايت جمهور غافلین و اجراء ما امرهم به ربههم و وصاهم به مولاہم ليلاً و نهاراً مشغول و مأنوس حبال اوہام را یک یک گسستند و از تقيدات عوالم ترايبه برهيدند و بعروة الوثقى تعليمات نازنين مولای خویش آويختند و بهدايت ابناء وطن خویش و ايقاظ من على الارض پرداختند و در کمال يگانگى و اتفاق کلمه واحده بتدايبرى حکيمانه و وسائلی فعّاله و تشبثاتی متقنه در اجراء تمهيدات اوليه و تهيه موجبات و مقدمات تأسيسات عظيم الشأن آينده آئين خویش کما ينبغى و يليق همت بليغ بگاشتند.

هم رجال لا تلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكرالله. لا تأخذهم لومة لائم في خدمة امره و لا يمنعمهم كيد ماكر عن بسط دعوته و لا ظلم حاسد عن اثبات عظمته و ابراز سلطنته المهيمنة على العالمين. بأساء و ضراء خلل و فتورى در عزم و اراده آن باسلان و مبارزان ميدان خدمت احداث نمود و حملات عنيفه حاسدان و اراجيف سخيفه منتشره مکذبان و هنى در عقائد راسخه و نوایای خالصه و انفس سليمه و افتده زکيه آن پروان و برگزیدگان حضرت رب البريه وارد نياورد بلکه بالعکس هر قدر ظلمات جور و جفاى بيوفايان و اهریمنان حالکتر و شديدتر گردید نجم درى تمسک و تعلق



ORIGINAL

آن حیبان بامر حضرت یزدان در آسمان ایمان و ایقان بر صعود و تعارجش بیفزود و نور و ضیائش بازتر و مثلثاً تر گشت. هم عباد لا یمسهم ضرر و لا کدر و لا بلاء لا خوف علیهم و لاهم یحزنون. یستبرکن بوجود هم الملائه الأعلی و یستقرن بهم طلعات الفردوس فی الجنة العلیا و یشیرن الیهم بأصابعهم ملائکه اقدس فی الرفرف الاسمی و ینادیهم عن خلف سبحات الجلال عرش الکبریاء ربهم الأبهی بأن یا احبائی و اخلائئ و حفظة امانتی بین خلقی. انتم اصفیائی و خیره خلقی بین عبادی قد اختصتکم لنصرة امری فی مملکتی و سأرفعکم فی ملکوتی مقاماً علیاً.

ایها المختارون فی ملکوت الله صبر پیشه گیرید و چون گذشته . ایام تحمل هر جور و جفائی و تهمت و افتزائی بنماید و از تتابع محن و صولت زوابع افتتاحن شاکی مباشید و افسرده و نحوش مگردید. ان ربنا لبالمرصاد. عنقریب بحول الله ربنا البهی الأبهی و طبقاً لما وصانا و اخبرنا. به مولانا و محبوبنا عبدالبهاء روح الوجود لمرقده الفداء عروس آمال دیرینه اهل بها کشف نقاب نماید و از خلوتخانه امید قدم بعرصه شهود گذارد و جلوه ای حیرت انگیز در جامعه مشرقیان و مغربیان نماید و عزت قدیمه موعوده را علی رؤس الأشهاد و رغماً لأنف کل حاسد لدود و مکذب عنود هویدا و آشکار سازد. اعمده محافل مقدسه مرکزی اهل بها متدرجاً بر اس اساس متین و رزین محافل محلیه روحانیه در هر کشوری ثابت و استوار گردد و بر این اعمده مجله قصر مشید بیت العدل اعظمش مرتفع و منصوب شود و در قطب امکان سر بر افرازد و وحدت جمع اهل بها را بر روی زمین من اقصاها الی اقصاها محقق و مجسم سازد. احکام منصوبه کتاب مستطاب اقدسش بأحسن ما یمکن فی الأبداع ترویج و تطبیق و تنفیذ یابد و از آن سر چشمه نظم الهی ماء حیوان که کافل حیات ابدیه و دافع شرور و مکاره عوالم تریبه و شافی اسقام و علل مزمنه است بر تمام اقوام و ملل متبانیه متباغضه جهان جاری و ساری گردد. سلطه ظاهره اسم اعظم زلزله بآرکان ممالک و بلدان اندازد و علمای رسوم از هر فرقه و در هر کشوری بعضی را مرعوب و متنبه و برخی را مخذول و متشتت و مقهور و معدوم سازد. "تالله الحق تأتیم صواعق یوم القهر ثم زلازل ایام الشداد ثم هبوب اریاح کره عقیم" حقیقت قاهره نافذه نورانیه مندجه در امر بها کالشمس فی وسط السماء بر ملا مکشوف و مبرهن گردد و مسطورات قلم اعلی من دون استثناء کالتقش فی الحجر در قلب جهان و جهانیان منطبع و مرسم گردد. یومئذ ینوح المکذوبون و یفرح المؤمنون بنصرالله. ان نصره قریب. ای عزیزان حضرت عبدالبهاء روحی لحبکم و وفائکم الفداء در این ایام آنچه از الزم لوازم محسوب و تقویت اساس امر الهی و ارتفاع شأن و منزلت آئین آسمانی و ترویج احکام شریعت بهائی بآن معلق و مشروط دو امر خطیر است.

اول : تسریع در تهیه موجبات تشکیل بیت العدل اعظم الهی و ثانی : اتمام مشروع بناء مشرق الأذکار امریک است. از قبل در نامه های این عبد علی الخصوص نامه عمومی که بعنوان وکلای دو مین انجمن شوروی روحانی اقلیم مقدس ایران ارسال گردید بتاریخ تموز ۱۹۲۸ اشاره بأهمیت و لزومیت تهیه وسائل کامله از برای تحقق مقدمات تمهیدیه آن مشروحاً تصریح و تاکید گردید. حال این عبد سراپا تقصیر منتظر و مترصد است که بر حسب خواهش و تمنای اخیرش در آن نامه عمومی راجع بتسریع و تهیه وسائل انتخابات ملیه روحانیه که در کشور مقدس ایران از مقدمات اساسیه و لوازم ضروریه انتخابات بین المللی جامعه بهائی است که عاقبت منتهی بتشکیل بیت العدل اعظم عمومی گردد محافل مرکزی در ممالک شرقیه علی الخصوص امنای الهی در موطن اصلی جمال قدم جل اسمه الاعظم قیامی عاشقانه نمایند و همّت موفور و سعی متمادی مبذول فرمایند و بشارکت محافل روحانیه محلی در آن اقلیم مقدس و تعاون و تعاضد جمهور مؤمنات و مؤمنین در آن سرزمین بتهیه موجبات انتخابات ملیه روحانیه و ترتیب احصائیه صحیح کاملی مباشرت کنند و در کمال جدیت و اتقان و یگانگی و روحانیت و صداقت و امانت بر آنچه بر حسب نصوص قاطعه الهیه مأمور و مکلفند

قیام نمایند و پس از انجام و اتمام وظیفهٔ مرجوعهٔ مقدسهٔ خویش نتیجهٔ اقدامات و تحقیقات عمیقهِ دقیقه خویش را من دون تعویق و تأخیر نزد این عبد بآرض اقدس ارسال دارند تا پس از مراجعه و تدقیق تعداد و کلاهی جمهور بهائیان در هر قسمتی از قسمتهای امریه بر حسب عدّهٔ ناخبین از مؤمنات و مؤمنین تعیین و اعلان گردد و دستور العملی مخصوص راجع بکیفیت انتخابات اولیه و ثانویه در آن کشور مقدس بمرکز آن اقلیم ارسال گردد تا آنکه: پس از تشکیل محفل روحانی ملی بهائی کشور مقدس ایران که به بیت العدل خصوصی در کتاب وصایا موسوم گشته دستور العملی عمومی راجع بآنتخابات اخیرهِ بین الملل بهائی که منتهی بتشکیل بیت العدل اعظم گردد بتمام بلدان و اقالیم در شرق و غرب عالم بهائی طبقاً لمبادئه و تعلیماته المندرجه فی الواحه و وصایاه از این شطر بکافّهٔ مراکز امریه مستقیماً ارسال گردد عند ذلک تحقّق آمال من فی البهائ و یتّم ما امرنا و کلفنا به مولانا فی کتابه و وصایاه حیثند یتقرّر عرش حکومت البهائ فی ارض المیعاد و ینصب میزان العدل و یتوجّ علم الاستقلال و ینشق حجاب الستر عن وجه ناموسه الاعظم و تندفق انهر السنن و لالحکام من بقعة المنوره البیضاء بغلبه و هیمنه لم تر شبا القرون الاولون . اذاً ینظر مصداق ما نزل من لسان الکبریاء بأن: یا کرمل بشری صیهون قولى اتی المکنون بسلطان غلب العالم و بنور ساطع به اشرفت الارض و من علیها... یا کرمل طوبی لعبد طاف حولک و ذکر ظهورک و بروزک و ما فرت من فضل الله ربک... سوف تجرى سفینه الله علیک و ینظر اهل البهائ الذین ذکرهم فی کتاب الأسماء"

ای احبّای الهی تعیین ایادی امرالله و تنفیذ احکام مقدسهٔ شریعة الله و تشریح قوانین متفرّعه از منصوصات کتاب الله و انعقاد مؤتمر بین المللی پیروان امر حضرت بهاءالله و ارتباط جامعهٔ بهائی بأجنهای متفرقه علمیه ادبیه و دینیّه و اجتماعیه کلّ بتشکیل و استقرار بیت عدل اعظم الهی در ارض اقدس در جوار بقاع مرتفعهٔ منورهٔ علیا منوط و معلق. زیرا این معهد اعلی سر چشمهٔ اقدامات و اجراءت کلیهٔ بهائیان است و معین و مرجع این عبد ناتوان . بها تحقّق آمال اهل البهائ. بها تستحکم دعائم الأمر علی وجه الغبراء . بها تظهر خفیّاته تجلی آثاره و تموجّ ریاته و تسطع انواره علی الخلائق اجمعین.

و همچنین آنچه الیوم از اس اساس امرالله و مقتضیات دین الله و وسائل جریان شریعة الله و اشتها کلمة الله و کشف اسرار ملکوت الله است ارتفاع بنیان مشرق الأذکار در مغرب اقصی است. مراجعه بالواح عدیده و بیانات و تاکیدات کافیهٔ شافیه که از فم درّی میثاق و کلک اطهر مرکز امر نیر آفاق سنین متوالیه است خطاباً لأحبّاء فی مشارق الارض و مغاربها راجع باهمیت موقف مشرق الأذکار امریک صادر گشته بیاد آرید. قوله عزّ بیانہ: " ای یاران شرق و غرب... مشرق الاذکار اعظم اساس الهی است... باید احبّای الهی بنهایت همت و خلوص نیت و جانفشانی معاونت در این تأسیس ربّانی فرمایند. حال در اقلیم امریک احبّای الهی مصمم بر تأسیس مشرق الاذکار گشتند و در بهترین نقطه ای زمینی مهیا نموده و مشغول بجمع اعانه هستند. هر چند آنان این مشرق الاذکار را در نهایت متانت و رصانت اتمام خواهند نمود ولی محض ارتباط شرق و غرب و ازدیاد انعطافات حبیّه و تحکیم بنیاد اتحاد و اتفاق باید جمیع احبّای شرق بقدر امکان معاونت نمایند ولو بمقدار جزئی مبلغی باشد لا یکلف الله نفساً الا و سعها. و این اعانه باید از جمیع شهرها و از جمیع احبّای الهی گردد... ای احبّای الهی یقین نمائید که در مقابل این اعانت اضعاغ مضاعف خیر و برکت در زراعت و صناعت و تجارت حاصل گردد . من جاء بالحسنة فله عشر امثالها. شبهه ای نیست که حیّ قدیر اهل اتفاق را تأیید شدید فرماید. ربّ ربّ نور و جوه احبّائک المخلصین و ایدهم بملائکة نصرک المبین و ثبتهم علی صراطک المستقیم و افتح علیهم ابواب البرکة بفضلک القدیم لأنهم ینفقون ما خوّلهم فی سبیلک و یحافظون دینک و یطمینون بذکرک و ینذلون

ارواحهم في محبتك و لا يخلون بأموالهم حباً بجمالک و طلباً لرضائک. ربّ قدر لهم جزءاً موفوراً و نصيباً مفروضاً و اجراً محتوماً. انک انت الموقّ المؤيّد الباذل المعطى الکریم". و ايضاً می فرماید "یاران الهی باید از هر کار باعانت برخیزند و بجان و دل در اینمورد انفاق نمایند تا در جهان شایع و عیان گردد که بهائیان شرق و غرب حکم یک خاندان دارند و روابط یک دودمان. ترک و تاجیک و فرس و امریک و هند و افریک حکم یک جند و یک جیش دارند و بدون طیش بمعاونت و معاضدت یکدیگر برخیزند و این عمل مبرور در درگاه ربّ غفور مقبول و محبوب.

در تأسیس مشرق الاذکار در عشق آباد فی الحقیقه یاران بنیاد وحدت انسانی گذاشتند تا آن بنیان بلند گردید و همچنین حال الحمد لله از جمیع اقالیم عالم بقدر امکان اعانت پی در پی بمشرق الاذکار امریک ارسال میگردد. شما بجمیع یاران الهی ممنونیت عبدالباها را در این خصوص ابلاغ دارید. فی الحقیقه این همت یاران شایان شکرانیت است.... این انفاق در سبیل نیر آفاق سبب سرور قلوب روحانیان است و از یوم آدم تا بحال چنین امری واقع نشده که از اقصی بلاد آسیا اعانت بجهة اقصی بلاد امریکا ارسال گردد.... العزة لربّ الجنود والعظمة لذلك الحنون الودود والقدرة والقوة للهي القيوم الذي جعل الآفاق تتحد و تجتمع كالنجوم في افق السجود" و همچنین می فرماید "مسأله مشرق الاذکار در امر الله بسیار مهم است بدرجه ای که وصف نتوانم".

و ايضاً می فرماید: بشارت کبری اینکه هیکل مطهر منور مقدّس حضرت اعلی روحی له الفداء بعد از آنکه شصت سال از تسلط اعداء و خوف از اهل بغضاء همواره از جائی بجائی نقل شد و ابداً سکون و قرار نیافت بفضل جمال اهبی در یوم نیروز در نهایت احتفال با کمال جلال و جمال در جبل کرمل در مقام اعلی در صندوق مقدّس استقرار یافت.... و از تصادفهای عجیب آنکه در همان روز نوروز از شیکاگو تلغرافی رسید.... مضمون اینکه از هر شهری از شهر های امریک احباً بالنیابه از خود مبعوثی انتخاب نمودند و بشیکاگو فرستادند. چهل مبعوث در شیکاگو جمع شدند و قرار قطعی موقع مشرق الاذکار و بنیانش دادند تا کلّ احبای امریک در بنیان مشرق الاذکار در شیکاگو مشترک باشند. این اجتماع در روز نوروز واقع شد و قرار قطعی داده و مرده تلغرافی بأرض مقصود فرستادند" و ايضاً می فرماید "کار این کار عظیم است اگر بآن موقّ شویم تا هریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد". و همچنین میفرماید "مسأله مشرق الاذکار نهایت اهمیت را دارد و نتایج عظیمه. این اول بنیانی است الهی که در آن اقلیم گذاشته میشود" و ايضاً می فرماید "و اما مسأله مشرق الاذکار من اهمّ الأمور فلا يجوز التراخي فيها ابداً و اننی سأكتب الى مشارق الأرض و مغاربهها و احثهم الى معاونة مشرق الاذکار" و همچنین میفرماید "امر بسیار بزرگوار شده و عظمتش پدیدار گشته عنقریب غلیان عجیب خواهد نمود. .... یا بشری یا بشری یا اهل امریکا بشری.... انّ الشّرق استضاءت آفاقها بأنوار الملكوت و عنقریب يتلأأ هذه الأنوار في مطالع الغرب اعظم من الشّرق و تحي القلوب في تلك الأقاليم بتعاليم الله و تأخذ محبة الله الأفئدة الصافية....".

در لوحی از الواح که از یراعه محیطه مرکز میثاق الهی مخاطباً لامناء الله فی تلك الديار یعنی قطعه امریک نازل گشته این کلمات دریات و بشارت عالیات مدوّن و مسطور: "قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار" البته از این مشرق الاذکار هزاران مشرق الاذکار تولّد خواهد یافت و امثال ذلک نظیر محافل عمومیّه سالیانه و تأسیس نجم باختر و انجمن طبع رسائل و الواح و نشر آن در جمیع صفحات امریک و استعدادی که الآن بجهت احتفال و نمایش قرن ذهبی ملکوت الله میشود. این نیست مگر شمه ای از عمان بیان مرکز

حضرت رحمن که در ۰ این مقام ترشح بر عالمیان نموده و شایسته و سزاوار آن است که بر اثر این آیات بینات و کلمات باهرات یاران الهی در ممالک و بلدان شرقیه علی الخصوص یاران دیرین و فدائیان امر مبین در موطن اصلی حضرت ربّ العالمین کوهٔ آخری گوی سبقت را در میدان جانفشانی از همگان بریابند و در اینورد نیز تفوق و امتیاز خویش را در جامعهٔ پیروان امر بها آشکار و اثبات فرمایند زیرا این بنیان مقدّس حجر زاویه اش را انامل شریفهٔ حضرت عبدالبها بنهاد و در مجمع اصحاب و احباب لسان مرکز امر حضرت ربّ الأرباب این معبد جلیل القدر را اولین مشرق الأذکار باختر بنامید. تأثیرات کلیه اش را در انفس و آفاق کراراً و مراراً تقدیس و توصیف فرمود و اکمال و اتمامش را اعظم وسیلهٔ ترویج آئین نازنین در مغرب زمین پنداشت. تأسیس این بنیان رفیع را از جملهٔ مقاصد اولیهٔ حیات خویش بشمرد و اجر و ثوابی جزیل از برای بنیان و رافعانش در دو عالم مقرر داشت. یوم افتتاح آن معبد جلیل را فاتحهٔ عصری بی نظیر و مثیل در تاریخ امر الهی در آن اقلیم بشمرد و اسرار الهیه که حال در هویت آن مقام رفیع مخزون و مکنون است بر پیروانش در کلّ اقالیم مکشوف و مدلل ساخت. آن بقعهٔ نورانیه را سر چشمهٔ الطاف نامتناهی از برای آیندگان تعیین نمود و نجاح و فلاح اجراءات و مجاهدات جند مؤمنین را بآتمام این مشروع عظیم معلق و مشروط فرمود. بدایت تأسیسش توأم و مقارن با یوم استقرار عرش ربّ اعلی بر دامنهٔ کرم الهی گشت و بمیمنت این یوم مبارک هیئت مجلله مؤسّساتش بصدور لوحی از مخزن قلم میثاق مفتخر و سرافراز شد. تمثال بدیع بیثالش مقبول نظر و به تصویب آن مولای خون مقرون گشت و در انظار جمهور مهندسین و متخصصین در اعظم مدن و ممالک غریبه بآبداع و احلی هندسه ای که از قرون وسطی الی یومنا هذا ایجاد و اختراع گشته منعوت و موصوف شد. نام مقدّسش بهمت رافعان لواء امر الهی متداول در السن و افواه انام در خطّهٔ امریک گشت و سپس باقالیم مجاوره و ممالک بعیده صیت عظمت و جلالش سرایت نمود و رفته رفته شهرهٔ آفاق شد. رسم زیبایش زینت بخش قصور سلاطین گشت و ولولهٔ مزایا و اوصافش رعبی شدید در قلوب علمای رسوم بینداخت و محرک عرق عصبیت آن قوم جهول و ظلوم گردید. جمعی منتظر و مترصد جلوه و بروز این رمز حیرت بخش الهی در حیز شهوند و برخی از تعویق و تعطیل در تحقّق این مقصد جلیل حیران و نگران. بیگانگان و دشمنان در کمیند و بأنواع وسائل و دسائس در تحدیش اذهان و ایجاد یأس راجع بآتمام و اکمال این معبد عظیم ساعی و جاهد. گروه مؤمنین و مؤمنات در آن سرزمین بجانفشانی و قربانی قائم و از مشتهیات و لوازم و ضروریات دنیویّه در کمال رغبت گذشته بضاعت خویش را بصندوق ملّت پرداخته وقف معبد محبوب نمودند. اعانات مالیه از نفوس غیر مؤمنه از اصحاب ثروت و مکنت حتی از محبین این امر مقدّس که هنوز بطراز ایمان و خلعت عرفان مطرّز و مرتدی نگشته اند در کمال استغناء و احترام یک یک رفض نمودند و اجابت طلب و خواهش آنان را ننمودند تا در مستقبل ایام مفسّدین و مغلین قادر بر تفوه نگردند که این معبد بیثال بالمآل بمعاضدت جمعی از بیگانگان از ارباب ثروت و رؤسای ملّت و خیرخواهان عالم انسانی که در سلک مؤمنین محشور نگشته اند مرتفع گشت و اتمام بنایش عاقبت بقوهٔ بازوی متمولین و خیرات و مبرات محسنین و منفقین از فرق و اقوام مختلفه تحقّق یافت زیرا بهائیان بآنفسهم قادر و مستطیع بر اکمال معبد خویش نبودند. به بیگانگان پیوستند و بذیل تکدی تشبّث نموده سدّ احتیاجات مالیهٔ خود بنمودند.

ای محبان و فدائیان امر الهی وقت آنست که جمهور مؤمنین و مؤمنات در ممالک و بلدان شرقیه باجمعهم در کمال رغبت و شهامت حفظاً لیکان امره و اعزازاً لشریعته و حرصاً علی صیانهٔ دینه خالصاً لوجه المحبوب متوکلاً علیه منقطعاً عمّا سواه بمعاضدت و معاونت آن فئه قلیلهٔ برادران و خواهران عزیز خویش که بر حسب تعلیمات مؤکدهٔ حضرت عبدالبها بایفای این وظیفهٔ عظیمهٔ مقدّسه بدل و جان پرداخته کلاً قیام نمایند و از مال و منال گذشته بر عالمیان و مدّعیان

روحاً و عملاً اثبات نمایند که وحدت جمع اهل بها حقیقی است ساطع و قوه ایست نافذ. اقتدارشان مستمد از روح حضرت فیاض است و همهم و مسامحی مبدوله شان مؤید بروح من عندالله. از افق استغناء چون نجوم درهرهه متلاثلند و در آسمان تقدیس و تنزیه چون شمس مشرق و مضع. ممد و معین یکدیگرند و در موارد امتحان بمثابة یک نفس متحد و متفق. هر یک واحد کالافتند و بقوه اسم اعظم بر جهان و جهانیان قاهر و غالب. از مکر و ریا در گریزند و با فته ضاله مکذبین و مبطلین امر بها در جنگ و ستیز. در سبیل صیانت شرف و منزلت آئین خویش تا نفس اخیر چون هریر دلیز مدافع و مجاهدند و بر حقیقت ساطعه لا ریبیه وعد بها: " و نراکم من افقی الأبهی و نصر من قام علی نصره امری " متوکل و معتمد. این است قوه دافعه مودعه در قلم اعلی. اینست سر نصرت و غلبه پیروان امر بها. هی حسبنا و حسب کل شیء بها نجی بها نتصر بها نفتخر علی العالمین. احسن و اولی آنکه تسریعاً لهذا المشروع الکریم تبرعات شخصیه و اعانات عمومیّه محافل و نقاط امریه در هر اقلیمی بواسطه امنای محفل مرکزی آن اقلیم رأساً و مستقیماً بنام اولیای امر الهی در امریک ارسال گردد. جزاکم الله یا احباءالله فی ملکه احسن الجزاء و قدر لکل منکم فی ملکوته مقاماً تتوق الیه ارواح الملائ الأعلی و عن ورائهم ملائکه الفردوس فی الجنة المأوی.

ای برادران و خواهران روحانی لیله صعود است و سرشگ خونین از عیون اهل بها در لیله لایلا چون ابر بهاری هاطل و نازل در این مصیبت دهماء و رزیه عظمی این جمع یتیمان را تسلیتی اعظم و احلی از اجرای وصایای اخیره اش نه و جز تشبث باین دو امر خطیر که از اعظم و اشرف تعلیمات و نصائح محسوب چاره ای نبوده و نیست خدمت باین دو مقصد جلیل زفیر احتراق را تسکین دهد و از ظلمات مستولیه غموم و هموم قلوب کثیه را برهاند. جروحات فرقت و حرمان را التیام دهد و روح حیات از نو در کالبد افسردگان بدمد. پس ای گروه غمزدگان قیام و اقدامی و ای خسته دلان ابراز شجاعت و شهامتی. مولای توانا از عالم بالا حی علی الوفاء حی علی الفداء اننی انا حی فی الأفق الأبهی أن أنصرونی بأعمالکم یا ملاء المحبین. ندا می فرماید. وقت اجابت است و زمان زمان جانفشانی و استقامت حیف است اگر خاموش نشینیم و این فرصت گرانها را از دست دهیم و از این عطیه عظمی و شرف اسنی که خدمت باین دو مقصد جلیل است خود را محروم و ممنوع سازیم بلکه شایسته و سزاوار فارسان مضمار الهی آن است که این صلای جان افزا را من دون تردید اجابت نموده هر یک کمر خدمت برینند و قدم بمیدان جانفشانی گذارند و لبیک اللهم لبیک گویان سمند همّت را جولان دهند و بچوگان عبودیت گوی سبقت را از یکدیگر برابیند. هذا ما ینفعا فی الدنیا و الآخرة. اهمال و تهاون در این مقام عاقبتش یأس و حرمان است و نتیجه اش پشیمانی و خسران.

ای اهل بها نظری بسنوات اولیه صعود جمال ابهی اندازید و ظهورات قدرت و شهامت و عزم و غلبه لیث عربن میثاق را در بیشه امکان پس از غروب نیر آفاق یکیک بخاطر آرید. سجن و زندان و ثقل فادح احزان و نقض ناقضان و ناظنان و بیوفائی منتسبان و متعلقان و ظلم و شقاوت سلطان سفاک و بی باک عثمانیان آن مظلوم فرید و وحید را از ندا بامر بها در ببحوحه بلایا و رزایا باز نداشت و از ایقاز امم غریبه در اقصی مدن عالم و استقرار عرش رب اعلی بر کوه کرمل و رفع بنیان مشرق الأذکار در مشرق اقصی و بسط دعوت امر بها در صوامع و مجامع و مدائن و معابد دو قاره اروپ و امریکا مانع و حائل نگردید. دقیقه ای آرام نگرفت و آنی استراحت نجست تا آنکه عاقبت جهانرا مفتون امر حضرت بیچون نمود و عالی را اسیر زلف عنبر افشان محبوب ابهی کرد. و لنا فی مولانا و سیدنا و محبوبنا أسوة طیبه حسنة بشری لمن اقتدی به و تبا للمترددین

ای مولای بی‌همتا نظری از رفر فاسنی بر این بندگان بینوا در عالم ادنی کن و استطاعتی بر اجرای وصایایت و تحقق نوایایت عطا نما تو واقف بر حال پر ملال این مستمندانی و توئی یگانه مجیر و دستگیر این درماندگان. آشفته‌گان آن روی دلارائیم این غمزدگان را تو تسلی ده. خسته هجر و فراقیم این ماتم زدگان را تو توانائی بخش. اگر مددی از عالم بالا باین ضعفا در ملک ادنی نرسد کلّ مفقودیم و معدوم و از ثمره حیات، کلّ ممنوعیم و محروم. پس دست اقتدار از جیب مشیت برون آر و این جمع پریشان را عزیز دو جهان کن. غیوم هموم و غموم را بید بیضایت متشتت نما و در عروق این منجمدان روح حیات را بجزریان و سریان آور. دست تطاول اولوالبغضا را کوتاه کن و دشمنان دینت را عبره للنظرین فرما. امنای امرت را بر رفع این دو بنیان مشید تأیید بخش و بتأسیس مدنیّت الهیه در شرق و غرب عالم هدایت فرما. اقبای ارض را بر نصرت و حراست این حزب مظلوم دلالت کن و صفوف مشرکین و مستکبرین و معاندین امر نازنین را به نیروی اسم اعظمت در هم شکن. هیاکل مجرده صافیّه نورانیّه که موعود کتاب اقدس تواند مبعوث فرما و بانفس طیبه و تصرفات آن نفوس ملهمه این ظلمتکده عالم را رشک جنان نما. صوت رجال امرت را بمسامع این مشتاقان برسان و از مهابت فریاد آن برگزیدگان، مردگان فراش غفلت را حیات ابدیه مبذول نما. بانیان قصر مشیدت را که در محنت و مشقتند در امور گشایش و برکتی احسان کن و بر اکمال و انجام مشروعات باهره آینده آئین خویش قوت و توانائی بخش از خاک گهر بار موطن اعلاّیت که بدماء شهادت ریّان گشته سنبلات علم و حکمت الهی برویان و بر اعلی قلل مدائن غریبه پرچم استقلال شریعه بها را بید آن مجاهدان دلیر بر افراز. از اقطار شمالیه که بنص قاطعت منشأ و مبدأ رجال آتیه اند هیاکل مقدسه منقطعه ای مبعوث فرما و بنفثات روح القدس دمساز کن و بفتح مدائن قلوب در اقصی جنوب عالم مأمور ساز. امم و قبائل متباغضه اروپ و امریک و آسیا و افریک را در ظلّ ظلیل سرپرده اسم اعظمت محشور کن و بر تأسیس صلح اعظم و اعلان وحدت عالم انسانی نمایندگان شرق و غرب و جنوب و شمال را مأمور و موّفق نما و مصداق اذّا تری الأرض جنّة الأبهی بر مدعیان و مترددان ظاهر و ثابت کن

توئی مجیر توئی دستگیر توئی بیننده و توئی شنوا

۲۷ نوامبر ۱۹۲۹

بنده استانش شوقی